

مشارکت سیاسی زنان صدر اسلام

نهله غروی نائینی*

چکیده

تصمیم‌گیری و تعیین قوانین و مقررات جامعه‌ها به فرمان خداوند یکتا و خالق انسان‌هاست که به عهده پیامبران خود و جانشینان آنها نهاده است تا اوامر الهی و احکام و قوانین را در جامعه پیاده نمایند. پذیرش و عدم پذیرش حکمرانی فرستادگان الهی، نقش سیاسی هر فرد در جامعه است. زنان مسلمان با پذیرش دین اسلام و نبوت و رهبری رسول خدا(ص)، اطاعت آن حضرت را گردن نهاده و در فرمایشات و حرکت‌های سیاسی آن جناب با همراهی یا عدم همراهی، مشارکت یا مخالفت خود را ابراز داشتند. این مقاله به تبیین حرکت‌های سیاسی زنان صدر اسلام پرداخته و نمونه‌های همراهی یا عدم آن را با رهبری جامعه نشان داده است.

کلید واژه

مشارکت سیاسی، زنان صدر اسلام، بیعت رهبر، علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

طرح مسأله

ظهور دین اسلام و دعوت آشکار رسول اکرم(ص) از بستگان، اهل قبیله و عشیره خویش و پس از آن سایر مشرکان و ساکنان شبه جزیره عربستان قدرتمندان و صاحبان زر و زور را وحشت زده کرد و توسعه دین الهی در میان مردم، آنان را به هراس انداخت که مبدا قدرتشان از کفشان ربوده شود و مردم به آنان دیگر توجه نکنند. چون طرفداران از این رو به افزایش بودند؛ لذا دعوت دینی و یکتاپرستی از نظر آنان صبغه سیاسی بخود گرفت و مهاجرت به یثرب و شهر مدینه النبی این ترس و وحشت را افزایش بخشید و الحاق هر دسته و جمعی به این آئین جدید و پیمان بستن و بیعت کردن با رسول خدا(ص)، حرکتی سیاسی تلقی شد. زیرا تعداد ایمان آورده‌ها بسویی می‌رفت که مسلمانان قدرتی شوند و سایر قدرت‌ها و حکومت‌ها را تحت‌الشعاع خود قرار دهند و سبب متلاشی شدن قدرت‌ها و سیاست‌ها گردند.

در این مجال گزارش حرکت‌های سیاسی زنان را با بیعت کردن ایشان آغاز می‌کنیم و در مطالعه تاریخ و سیره زندگانی مسلمانان، صدر اسلام می‌بینیم که زن مسلمان و پیرو رسول‌الله(ص) زمانی با عهد بستن با رهبر جامعه، مشارکت سیاسی دارد؛ عصری با سیاست و روش خلیفه غاصب بیعت نمی‌کند و در روزگاری از حربه گریه، علیه سیاست غلط حکام و سلطه‌گران استفاده می‌کند؛ گاه در برابر سیاست ناحق و ظالمانه، زبان به اعتراض می‌گشاید و از گفتن حق و یادآوری کلام رسول خدا(ص) ابا ندارد؛ روزگاری با پند و اندرز مختلف، موضع سیاسی خویش را مشخص می‌کند و بالاخره زمانی در دربار خلیفه، برحق نبودن و ظلم او را به رخ می‌کشد.

۱) حرکت‌های سیاسی زنان تازه مسلمان

زنان تازه مسلمان به دنبال پذیرش دین الهی، خود را تحول یافته دیدند و در راه محکم کردن ایمان خویش قدم‌های مؤثری برداشتند که نمونه‌هایی از عملکرد ایشان را ذیلاً یادآور می‌شویم.

۱-۱) بیعت با زنان مسلمان

اولین مشارکت سیاسی زنان تازه مسلمان را در سال‌های دوازدهم و سیزدهم از بعثت نبی اکرم(ص) رقم می‌زنیم «در سال دوازدهم پس از بعثت دوازده مرد از قبیله‌های اوس و خزرج در عقبه اولی با پیامبر(ص) ملاقات و بیعت کردند و رسول خدا(ص) با زنان نیز بیعت فرمودند» (العاملی، ۱۴۱۵ق: ج ۳، ص ۳۰۹). بیعت کردن سنتی بود که قبل از اسلام نیز در میان اعراب رواج

داشت.

ماهیت بیعت یک نوع قرارداد و معاهده میان بیعت کننده از یک سو و بیعت پذیر از سوی دیگر است و محتوای آن اطاعت، پیروی، حمایت و دفاع از بیعت شونده است، از لحن آیات قرآن و احادیث استفاده می شود، بیعت یک نوع عقد لازم از سوی بیعت کننده است که عمل بر طبق آن واجب می باشد. همانگونه که می فرماید: «ان الذین یبایعونک انما یبایعون الله یدالله فوق ایدیهم فمن نکث فانما ینکث علی نفسه و من اوفی بما عاهد علیه الله فسیؤتیه اجرأ عظیما» (فتح، ۱۰). (آنها که با تو بیعت می کنند درحقیقت فقط با خدا بیعت می نمایند و دست خدا بالای دست آنهاست. هرکس پیمان شکنی کند به زیان خود پیمان شکسته است و آنکه نسبت به عهده که با خدا بسته وفا کند به زودی پاداش عظیمی به او خواهد داد). نیز خداوند می فرماید: «اوفوا بالعقود» (مائده، ۱). (به عهد و پیمان وفا کنید). بنابراین بیعت کننده حق فسخ ندارد، لکن بیعت پذیر چنانچه صلاح بداند می تواند بیعت خود را بردارد و فسخ کند.

در سال سیزدهم بعثت جمعی از اسلام آورده ها در مراسم حج شرکت کردند و با وجود همه فشارها و آزار مشرکین، در خانه عبدالمطلب با رسول خدا (ص) بیعت نمودند که عقبه نامیده شد. آنها هفتاد یا هفتاد و سه مرد و دو زن بودند. (همان: ج ۳، ص ۳۱۵). این بیعت رنگ سیاسی و فرمانبری را داشت. زمینه های فکری چنین بیعتی در قرآن مفهوم عهد و عقد بود. رعایت عهد و عقد از اساسی ترین اصولی بود که یک فرد مسلمان باید بدان عمل می کرد چنانکه در آیه اول سوره مائده آمده است.

در این پیمان حقوقی بر عهده رسول الله (ص) مطرح است و حقوقی بر گردن بیعت کنندگان و آن عبارتست از اینکه اطاعت رسول الله (ص) را در حال شادی و کسالت، انفاق کردن در گشاده دستی و تنگدستی، امر به معروف و نهی از منکر در راه خدا بجا آورند و از سرزنش سرزنش کنندگان ترس نداشته باشند. در این بیعت ها، رسول خدا بیعت کنندگان را متوجه امر خطیر و مشکلات در پیش و سختی ها و رنج های آتی می نماید و با یادآوری مشکلات و سختی ها با آنها بیعت می کند که این نشانه آگاهی بیعت کنندگان از جمله زنان حاضر در بیعت هاست که با آگاهی برای پیروی از سیاست و روش صحیح فرستاده الهی، مشکلات را پذیرا هستند و با صاحب حکومت اسلامی و فرمانده جهان اسلام بیعت می کنند. بیعت کنندگان بر آنچه بیعت بسته اند باید پایدار و ثابت قدم باشند، لذا اگر روش و مسلکی که بر سر آن تعهد بسته اند، تغییر یابد و غیرمطلوب گردد، آنها باید از اطاعت آن سرباززند. و پیرو سنت نبوی باشند و در امور تصمیم گرفته شده توسط رسول الله (ص) منازعه و چون و

چرا نکنند و آن را بپذیرند. این مطلب را گوشزد می‌کند و اطاعت از پیامبر(ص) را مقید به معروف کرده و می‌فرماید: «... و لا یعصینک فی معروف فبایعهن و...» (ممتحنه، ۱۲) (و در هیچ کار شایسته‌ای مخالف فرمان تو نکنند، با آنها بیعت کن و...).

آنچه در مورد بیعت در زمان رسول خدا(ص) اهمیت دارد، محتوای این بیعت‌هاست، بیعت آنان با آن حضرت نشانگر اظهار پایبندی فرد بیعت‌کننده در عمل به مسائل دینی و اطاعت از رسول خدا(ص) بوده است (ر.ک. جعفریان، ۱۳۸۳: ج ۱، ص ۳۹۲).

با اینکه پیامبر اکرم(ص) معصوم است و هرگز امر به منکر نمی‌کند. لکن این تعبیر ممکن است به عنوان الگویی برای اطاعت از اوامر زمامداران اسلامی باشد، همانگونه که امیرالمؤمنین در نامه به مردم مصر درباره فرمانروایی مالک اشتر نوشت: «... فاسمعوا له و اطیعوا امره فیما طابق الحق» (نهج البلاغه، ۱۳۷۱: نامه ۳۸، ص ۳۱۲). (آنجا که حق بود سخن او را بشنوید و او را فرمان برید).

در بیعت‌هایی که صورت گرفت، شروطی گذاشته شد که یکی از این شروط این بود که چنانچه رسول خدا(ص) شخصی را برای جانشینی خویش معرفی فرمود، بیعت‌کنندگان از او پیروی کنند و او را مولا و حاکم خود بدانند و از اطاعتش سرپیچی نکنند و پیرو او باشند. توصیه‌های پیامبر اکرم(ص) درباره اهل بیعتش را با جان و دل پذیرا باشند و حقوق ایشان را رعایت کنند (ر.ک. عاملی، ۱۴۱۵ق: ج ۳، ص ۳۲۶).

پس چگونه می‌توان گفت که پیامبر اکرم(ص) خلیفه خویش را معین نفرمود!! درحالی که این مطلب را در دعوت از خاندان و نزدیکان خویش «انذر عشیرتک الاقربین...» مطرح نموده و فرمودند: «اولین کسی که به من ایمان آورد، خلیفه و وصی من خواهد بود» این مطلب را در واقعه غدیر نیز به صراحت اعلام فرمودند.

رسول خدا(ص) به بیعت‌کنندگان در عقبه اجازه نداد که در آن زمان علیه قریش دست به شمشیر ببرند - علی‌رغم اینکه تعدادی از ایشان بسیار پرشور بودند و خواستار جنگیدن با قریش - لکن چون از جانب خداوند اجازه نداشتند از امر رسول خدا(ص) اطاعت کردند. زنان بیعت کرده، این شرایط را بر گردن گرفتند و بعداً در تاریخ می‌بینیم که آنان بر پیمانشان با رسول‌الله(ص) قابت قدم ماندند و با غاصبین خلافت آن حضرت و ناحقان، بیعت نکردند.

زن پس از دوره جاهلی که قبل از آن انسان تصور نمی‌شد و حقوقی برای او قائل نبودند، با آمدن اسلام، دارای شخصیتی والا شد و آزاد و مصمم با رسول خدا بالاترین پیمان‌ها را بست. بنابراین پذیرش این بیعت از جانب بانوان جامعه، بزرگترین مشارکت سیاسی زن مسلمان بود. زنان مؤمن و باتقوایی چون: «اسماء دختر ابوبکر» (کاتب واقدی، بی تا: ج ۸، ص ۲۵۲؛ کحاله، ۱۴۰۴ق: ج ۱، ص ۴۷).

«اسماء دختر عمیس» (غروی نائینی، ۱۳۷۵: ص ۳۴). «ام سلیم دختر خالد خزر جی» (همان، ص ۴۳). «ام ایمن دختر ثعلبه بن عمرو» (ابن اثیر، بی تا: ج ۵، ص ۴۰۸). «ام ایوب» (غروی نائینی، ۱۳۷۵: ص ۵۱). «ام حرام دختر ملحان» (کحاله، ۱۴۰۴: ج ۱، ص ۲۵۳). «ام سنان الاسلامیه» (کاتب واقدی، بی تا: ج ۸، ص ۲۹۲). «ام مبشر دختر براء بن معرور انصاری» (غروی، ۱۳۷۵: ص ۱۰۵). «ام هشام انصاری که در بیعت رضوان با رسول الله بیعت کرد» (کحاله، ۱۴۰۴: ج ۵، ص ۲۱۱). «آمنه بنت محسن اسدی خنساء دختر خدام» (غروی، ۱۳۷۵: ص ۱۶۸). «خوله دختر قیس انصاری» (همان، ص ۱۷۰). «زینب ثقفیه» (همان، ص ۱۸۲). «سوده دختر زمعه» (همان، ص ۲۱۸). «صفیه دختر عبدالمطلب، عمه رسول الله (ص)» (امین، ۱۴۰۳: ج ۷، ص ۳۹۰؛ کحاله، ۱۴۰۴: ج ۲، ص ۳۴۳). «ربیع دختر معوذ انصاری که با پیامبر اکرم (ص) در زیر درخت رضوان بیعت برای جنگ حدیبیه بیعت کرد» (غروی نائینی، ۱۳۷۵: ص ۱۷۸).

قرآن کریم درباره بیعت کنندگان زیر درخت رضوان می فرماید: «لقد رضي الله عن المؤمنين اذ يبايعونك تحت الشجرة فعلم ما في قلوبهم فأنزل السكينة عليهم اثنابهم فتحاً قريباً» (فتح، ۱۸) (خداوند از مؤمنانی که در زیر آن درخت با تو بیعت کردند، راضی و خشنود شد، خدا آنچه را در درون قلب آنها نهفته بود می دانست، لذا آرامش را بر دل های آنها نازل کرد و فتح نزدیکی به عنوان پاداش نصیبتان کرد).

بسته به احوال بیعت کنندگان و اوضاع جامعه، عهد و پیمان بیعت ممکن است متنوع باشد؛ چنانکه درباره بیعت با زنان پس از فتح مکه که به سرکردگی هند همسر ابوسفیان نزد رسول الله آمدند و بالاخره مجبور به اسلام آوردن شدند، مشاهده می شود که آیه قرآن شرایط بیعت ایشان را به گونه دیگری که گویای خصلت ایشان بوده مطرح می فرماید: «يا ايها النبي اذ جاءك المؤمنان يبایعنك علي أن لا يشركن بالله شيئاً و...» (ممتحنه، ۱۲)، (ای پیامبر هنگامی که زنان ایمان آورده نزد تو آیند و با تو بیعت کنند که چیزی را شریک خداوند قرار ندهند، دزدی نکنند، آلوده زنان نشوند، فرزندان خود را نکشند، تهمت و افترا بی پیش دست و پای خود نیاورند و در هیچ کار شایسته ای مخالفت فرمان تو نکنند با آنها بیعت کن و برای آنان از درگاه خداوند طلب آمرزش نما که خداوند آمرزنده و مهربان است).

آیات و گزارش های بیعت های رسول الله با زنان نشان می دهد که برخلاف گفته بی خبران یا مغرضان که می گویند: اسلام برای نیمی از جامعه انسانی یعنی زنان ارزشی قائل نیست و آنها را به

حساب نمی‌آورد، دقیقاً آنها را در مهمترین مسائل به حساب آورده است و زنان در بیعت حدیبیه و در فتح مکه همانند مردان در این پیمان الهی شرکت کردند.

اگر بیعت جنبه اجبار و اکراه داشته باشد و به صورت غافلگیرکردن مردم باشد، ارزشی ندارد، بلکه بیعتی با ارزش است که از روی اختیار و آزادی اراده و فکر و مطالعه انجام گیرد.

بیعت تاریخی و مهم دیگر، بیعت مسلمانان با امام علی (ع) در روز واقعه غدیر خم بود که مسلمانان در آن روز ولایت علی بن ابیطالب را چون ولایت رسول اکرم (ص) پذیرفتند و با امام علی (ع) به عنوان رهبر جامعه اسلامی بیعت کردند. امام صادق (ع) فرمودند: «در این بیعت خطیر زنان نیز شرکت داشتند» (مجلسی؛ ۱۴۰۳ق: ج ۹۴، ص ۱۱۲). البته همه کسانی که در حجة الوداع شرکت داشتند در واقعه غدیر حضور داشتند، زیرا غدیر در محلی بود که حجاج پس از پایان اعمال در مسیر بازگشت هنوز از هم جدا نشده بودند.

۲-۱) بیعت و انتخاب

یکی از مطالبی که ضروری است درباره آن صحبت شود، رابطه بیعت و انتخابات است، بسیاری از افراد بیعت را شبیه انتخابات یا نوعی از آن می‌دانند در حالی که مسأله انتخابات عکس بیعت است ماهیت انتخابات نوعی ایجاد مسئولیت و وظیفه، به تعبیری نوعی توکیل در انجام کاری است، هرچند این انتخاب وظائفی هم برای انتخاب کننده دارد در حالی که در بیعت چنین نیست. پس در انتخابات اعطای مقام است، همچون توکیل، لکن بیعت، تعهد اطاعت است. گرچه ممکن است این دو در برخی آثار با یکدیگر شباهت پیدا می‌کنند، لکن این شباهت هرگز به معنی وحدت مفهوم و ماهیت آنها نیست، لذا در بیعت، بیعت کننده قادر به فسخ نیست در حالی که در انتخابات در بسیاری از موارد انتخاب کننده حق فسخ دارد که دسته جمعی شخص انتخاب شده را می‌توانند از مقامش عزل کنند (ر.ک. مکارم شیرازی، بی تا: ج ۲۲، ص ۷۲).

رسول خدا (ص) و اهل بیت آن حضرت (امامان معصوم) که از جانب خداوند مأمور هستند، اطاعتشان به دلالت آیات قرآن واجب است، همچنانکه می‌فرماید: «قل اطيعوا الله و الرسول فان تولوا فان الله لا يحب الكافرين» (آل عمران، ۳۲) «... انما يريد الله ليذهب عنكم الرجس اهل البيت و يطهرکم تطهيرا» (احزاب، ۳۳) «يا ايها الذين آمنوا اطيعوا الله و اطيعوا الرسول و اولي الامر منكم...» (نساء، ۵۹). آیات دیگر نیز (ر.ک. آل عمران، ۱۳۲؛ نساء، ۵۹؛ مائده، ۹۲؛ انفال، ۱؛ آل عمران، ۳۱). بنابراین اطاعت از پیامبر (ص) و امام (ع) بر همه مسلمانان واجب است و نیازی به بیعت نیست، بیعت رسول الله (ص) با مردم، نوعی تأکید بر وفاداری بوده و در

مواقع خاص انجام می‌گرفت، خصوصاً جهت پایداری در سختی‌ها و بحران‌ها. لکن بیعت با خلفا جهت پذیرش مقام خلافت بود.

۳-۱) همکاری در بنای پایگاه فعالیت سیاسی

زنان صحابی رسول اکرم(ص) در امر ساختن مسجد پیامبر(ص) پایگاه فعالیت دینی و سیاسی رسول‌الله(ص) نیز شرکت کردند، این مطلب در برخی از منابع آمده در کتاب «کاشف الاستار عن زوائد البزار» آمده: زنان در حمل سنگ‌های بنای مسجد شب‌ها مشارکت داشتند و مردها در روز و این مطلب مشارکت سیاسی، اجتماعی و عبادی زنان بود که تأمل در آن نشان می‌دهد که امری بسیار مهم بود، خصوصاً پس از دوران جاهلیت عرب که زن را تحقیر می‌کرد و در امور مهم دخالت نمی‌داد. گزارش‌ها نشان می‌دهد که در اسلام زن‌ها با حفظ حجاب اسلامی و جداسازی محیط از مردان اینگونه فعالیت سیاسی، اجتماعی و دینی داشتند (ر.ک. عاملی، ۱۴۱۵ق: ج ۴، ص ۲۲۳).

۴-۱) شرکت در جنگ‌ها

بسیاری از زنان صحابی پیامبر اکرم(ص) در جنگ‌ها برای کمک به لشکریان، آب رساندن به سربازان و مداوا نمودن زخمی‌ها شرکت می‌کردند و از این راه نیز حضور خود را در همراهی با رسول خدا(ص) و حمایت از دین اسلام و حکومت اسلامی ابراز می‌داشتند. نمونه‌هایی از زنان مسلمان صحابی رسول اکرم(ص) عبارتند از: «ام ایمن خدمتکار مؤمن و باتقوای پیامبر(ص) که در غزوه احد و خیبر شرکت داشت» (ر.ک. ابن سعد، بی تا: ج ۸، ص ۴۲۲). «ام سنان سلمیه زنی شجاع، با محبت و دوست‌دار اهل بیت بود و برای جنگ خیبر همراه رسول خدا(ص) برای معالجه مجروحان و بیماران و محافظت از کالای مجاهدان و سیراب کردن تشنگان عازم جبهه جنگ شد» (همان، ص ۲۹۲). «ام سلیم که در جنگ حنین برای دفاع از خود و کشتن مشرکان خنجر به دست گرفت. او در جنگ احد نیز حضور داشت» (همان، ص ۲۹۲). «ام عطیه نسبیه دختر حارث از بزرگان بانوان صحابی رسول خدا(ص) بود که در بسیاری از غزوه‌ها همراه پیامبر اکرم(ص) شرکت داشت» (همان، ص ۴۵۶). «لیلی غفاری از اصحاب پیامبر اکرم(ص) و امیرالمؤمنین(ع) از مجاهدین جنگجو بود که همراه رسول خدا(ص) برای مداوای مجروحین و مراقبت از بیماران در جنگ‌ها شرکت داشت (غروی، ۱۳۷۵: ص ۳۱۲).

بانوانی که در واقعه کربلا به همراه امام حسین(ع) بودند، نیز در حرکت سیاسی آن حضرت شریک بوده، به ویژه بانوانی چون «ام کلثوم»، «صغری» و «فاطمه» دختران امیرالمؤمنین(ع) که برای

حمایت از امام و رهبرشان از مدینه راهی کربلا شدند؛ همسران و دختران اباعبدالله(ع) که همراه امام بودند و در برابر مصیبت‌ها اطاعت امام خود را نمودند و شیون و زاری نکردند (همان، ص ۱۱۰).

۲) حرکت‌های سیاسی حضرت زهرا(س)

حضرت زهرا(س) که سرآمد همه زنان عالم است، همه اعمال، گفتار و رفتار آن حضرت سرمشق و الگو برای همه زنان و مردان است. در اینجا حرکت‌ها و مشارکت‌های آن حضرت را که والاتر و بسیار باارزش‌تر از هر حرکت دیگر در تاریخ بوده را ذکر می‌کنیم.

حضرت زهرا(س) با خلیفه غاصب که خود را جانشین پیامبر(ص) معرفی می‌کرد، بیعت نکرد بیعت نکردن آن حضرت و همسرش، سبب خشم غاصبان و در نتیجه مضروب شدن و سقط جنین و بالاخره شهادت فاطمه(س) شد (ر.ک. طبری، بی‌تا: ج ۲، ص ۴۴۳؛ ابن قتیبه، ۱۳۲۲ق: ص ۱۳؛ ابن ابی‌الحدید، ۱۳۸۳ق: ج ۲، ص ۲۰). آن حضرت در سخنان گله‌آمیز خود خطاب به زنان انصار که برای احوالپرسی وی آمده بودند، فرمود: «بخدا قسم صبح کردم درحالی‌که در نظر من دنیای شما مکروه و مبعوض است و مردان شما رادور افکندم زیرا آنها را دشمن خویش یافتم پس از آنکه آنها را امتحان کردم... من قلاده خلافت و غضب فدک و غیر آن را برگردن ایشان انداختم و ننگ این کردار زشت مخصوص ایشان است و همچنین باشد مثله شدن و مجروح شدن و ملعون گشتن و به سخط الهی مبتلی شدن و در زمره ظالمان در آمدن که سزاوار این قوم است که منصب خلافت را از مرکز خود و امامت را از اهلیت رسالت و قواعد متین نبوت و محل نزول امین وحی و حاذق به امر دنیا و دین این امت را غضب کردند... بخدا قسم اگر از اطراف علی پراکنده نمی‌شدند و زمام خلافت را که خدا و رسول بدست او داده بودند از او باز نمی‌گرفتند، هر آینه علی آنها را با سهولت و سلامت از عمق ضلالت می‌رهانید و بر سرچشمه آب حیات ابدی و نهر سرشار علم و حکمت بتوفیق الهی می‌رسانید؛ بدون اینکه صدمه ببینند. امر دنیا و آخرت آنها را چنان آباد می‌ساخت که مایه غبطه دیگران می‌گردید و از جهت احاطه امیرالمؤمنین به مصالح و مفاسد امور و کثرت علم او به آنچه واقع شده و می‌شود در شب و روز و روزگاران، زیرا که علم علی دریایی است در آن گل و لای و تیرگی آب ندارد و چنان وسیع است که از هر طرف می‌توانند تشنگان بر او وارد شوند» (ر.ک. مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۴۳، ص ۱۵۹).

حضرت زهرا (س) در سخنان عتاب‌آمیز خود در مسجد پیامبر(ص) با همه ضعف جسمی و آزرده‌گی جسمی و روحی خطاب به قوای حاکمه فرمود:

«... شیطان از کمینگاه خود سر برآورد و شما را بسوی خود خواند و شما را دعوت نمود و دید که دعوت او را اجابت می‌کنید و آماده فریب خوردن از او هستید، و چون شما را به قیام بر علیه حق خواند قیام و سرعت قبول شما را یافت... وای بر شما! آیا می‌خواهید از او روی گردانید یا به غیر آنچه که در قرآن هست حکم کنید؟... سپس درنگ نکردید مگر به مقدار آرام شدن فتنه و جای گرفتن قلاده آن که شروع نمودید در بر افروختن شعله‌های فتنه و برانگیختن هیزم‌های آن و ندای شیطان مکار را اجابت کردید و شروع به خاموش کردن انوار دینی روشن و بی‌اعتنایی به سنت‌های پیامبر برگزیده نمودید. به ظاهر طرفداری از دین می‌کنید درحالی‌که در باطن به نفع خود عمل می‌کنید و نسبت به اهل بیت و فرزندان با حيله و نیرنگ رفتار می‌کنید...» (ابن طیفور، ۱۹۸۷م: صص ۲۹-۲۳).

حق‌خواهی حضرت زهرا(س) و طلب فدک و ارث پدر فقط برای زندگی خود نبود، زیرا که رسول‌الله(ص) به او فرموده بود که او قبل از دیگران به آن حضرت می‌پیوندد. پس فاطمه(س) ارث را برای چه می‌خواست؟ او که به کم‌خوردن و سادگی عادت کرده بود و برای رضای خدا روزه می‌گرفت و افطارش را به فقیر و مسکین و اسیر می‌داد. او این سرمایه را برای حمایت از ولایت امام علی(ع) و اولادش، برای سیاست صحیح و الهی می‌خواست.

۱-۲) گریه سیاسی

پس از رحلت رسول‌الله(ص) که با اطاعت نکردن از آن حضرت در آخرین دقایق حیات مبارکش همراه بود و با برپایی سقیفه و غصب حق خلافت علی بن ابی طالب(ع)؛ زهرا(س) شب و روز گریه می‌کرد و هر روز با دو فرزندش - حسن و حسین - که تعدادی از زنان مسلمانان به دنبال ایشان بودند. به بقیع می‌رفت و برای غم از دست دادن رسول‌الله(ص) گریه می‌کرد. به نظر می‌رسد گریه فاطمه(س) فقط برای غم از دست دادن پدر نبود، بلکه به جهت فقدان رسول خدا(ص) و مسیر انحرافی که جماعت در سقیفه انتخاب کردند بود؛ لذا ادامه حرکت او سبب افزایش طرفدارانش و اوج گرفتن فقدان وجود مبارک رسول خدا(ص) می‌شد. این موارد برای حکمرانی خلیفه غاصب خطرناک بود؛ لذا مانع گریه کردن آن بانوی گرامی شدند. لذا با ارائه حدیث: «ان المیت لیعذب ببکاء الحی» مانع گریه کردن آن بانوی گرامی شدند. باید گفت که رسول خدا(ص) هرگز مانع گریه کردن بر میت نشدند و شواهد تاریخی نشان می‌دهد که آن حضرت یکبار در شهادت «حمزه» و بار دیگر در غم از دست دادن «عثمان بن مظعون» گریست و به گریه کردن توصیه فرمود. خود آن بزرگوار در غم از دست دادن فرزندش «ابراهیم» نیز گریست.

بنابراین نیروی حاکم بر جامعه مانع گریستن فاطمه(س) شد. درحالی که این گریه یک حرکت سیاسی برای متوجه کردن مردم به وقایع رخ داده بود.

۳) حرکت‌های سیاسی همسران پیامبر(ص)

در قضیه حدیبیه، هنگامی که رسول‌الله(ص) از مسئله حدیبیه فارغ شدند، به اصحاب فرمودند: برخیزید و شتر نحر کنید و سر بتراشید. راوی گوید: کسی اطاعت نکرد و انجام نداد و حضرت سه بار تکرار کردند، لکن هیچ کس برنخواست. رسول خدا(ص) نزد ام سلمه رفتند و نظر او را درباره چگونگی شرایط موجود پرسیدند، پیشنهاد او مؤثر افتاد و امور رسول‌الله(ص) انجام شد (ر.ک. طبری، بی تا: ج ۱، ص ۶۳۶؛ کحاله، ۱۴۰۴ق: ج ۵، ص ۲۲۲). این مشورت نشانگر مؤثر بودن رأی ام-سلمه در امور سیاسی است. این بانوی گرامی در غزوه «خیبر» فتح مکه، حصاره الطائف، «غزوه هوازن»، «ثقیف» و بالاخره در حجة الوداع و بدنبال آن در واقعه تاریخی غدیر خم و مسئله بیعت با امیرالمؤمنین، همراه رسول خدا(ص) بود.

پیامبر گرامی اسلام(ص) که پیوسته غم اسلام و مسلمین را به جان خریدار بود، در آخرین ساعات از عمر مبارکش وسیله نوشتن می طلبد تا آنچه را برای حفظ امت اسلام لازم می داند برای آنها بنویسد و آنان را برای همیشه از ضلالت و گمراهی بدور سازد، لکن اطرافیان و در رأس آنها عمر جوسازی می کند و مانع آوردن ابزار نوشتن می شوند. درحالی که همسران پیامبر(ص) از پس پرده می گویند: آنچه را رسول‌الله(ص) خواسته فراهم آورید (ر.ک. کاتب واقدی، بی تا: ج ۲، ص ۲۴۳؛ بخاری، بی تا: ج ۴، ص ۷؛ ابوریه، بی تا: ص ۵۲).
این جریان شاهد بر التزام زمان به اطاعت از رسول‌الله(ص) رهبر جامعه و اعتراض آنها به اولین انحراف سیاسی است.

همسران پیامبر(ص) که سال‌ها شاهد زحمات و غمخواری‌های رسول خدا(ص) بودند می دانستند که خواسته آن حضرت به نفع مردم است، به همین سبب تأکید در اطاعت آن حضرت داشتند. «ام سلمه» همسر پیامبر اعظم(ص) از شاهدین آخرین لحظات حیات رسول‌الله(ص) بود (طبری، بی تا: ج ۲، ص ۹۸). وی پس از رحلت آن حضرت همچنان در بیعتش با رسول خدا(ص) پا بر جا ماند و یاری‌دهنده وصی پیامبر(ص) و دشمن و ستیزه‌جویان آن حضرت بود و خط سیاسی اش تغییر نکرد، ام سلمه بر حق بودن زهرا(س) در قضیه فدک را گواهی داد و به سبب این شهادت، ابوبکر و عمر یک سال خرجی او را قطع کردند (ر.ک. محلاتی، بی تا: ج ۲، ص ۲۹۴، ۲۵). این بانوی گرامی در دوران خلافت چهار خلیفه پس از رسول‌الله(ص) به مناسبت وقایع سیاسی، بارها احادیثی از پیامبر(ص) نقل

کرد تا گمراهان و مشتبهان را هدایت و رهبری کند. ام سلمه و «میمونه» از همسران پیامبر(ص) هستند که خلافت اولی و دومی را نپذیرفتند و با بیان احادیث پیامبر اکرم (ص) دیگران را به حمایت از علی بن ابیطالب(ع) می خواندند.

ام سلمه برای نصیحت عثمان و اصلاح سیاست به او گفت: «ای فرزند! چیست که می بینم رعیت تو از تو گریزان شده اند و از جناح و حزب تو روگردان شده اند. راهی را که پیامبر دوست می داشت درنگذر» وی برای حمایت از امام علی (ع) «ابو ایوب انصاری» را تحریض به رفتن بسوی علی(ع) کرد (ر.ک. طبری، بی تا: ج ۲، ص ۵۳۴). همچنین فرزند خویش عمر را توصیه کرد که پیرو راه علی (ع) باشد و خود همواره حامی و طرفدار فرزندان امام علی، امام حسن و امام حسین (علیهم السلام) بود (ر.ک. عاملی، ۱۴۱۵ق: ج ۵، ص ۲۴۹). ام سلمه به سبب وفاداری، صداقت، راستی و ایمانش به رسول الله (ص)، از اسراری سیاسی توسط آن حضرت آگاه شده بود و به همین دلایل پس از رحلت آن بزرگوار خلافت ناحق و سلطه معاویه بر مسلمانان، پسر «ابن ابی سفيان» والی مدینه شد؛ هیچ یک از مردان بنی سلمه با او بیعت نکردند تا جابر نزد ام سلمه می رود و درباره بیعت با معاویه با وی مشورت می کند. ام سلمه می گوید: «می دانم که بیعت ضاللت است، لکن در این شرایط چاره ای جز بیعت نداری» (طبری، بی تا: ج ۳، ص ۷۲؛ کحاله، ۱۴۰۴ق: ج ۵، ص ۲۲۶).

ام سلمه برای بازداشتن عایشه از جنگ با امیرالمؤمنین(ع) او را بسیار نصیحت کرد و بعد از آن نیز برای وی نامه نوشت تا او را از جنگ بازدارد، در شرح ابن ابی الحدید کلمات بلیغ او را آورده است. (ر.ک. ابن ابی الحدید، ۱۳۸۳ق: ج ۲، صص ۸۰-۷۷). ام سلمه چون از نصیحت و احتجاج با عایشه فایده ای ندید، ناچار از مکه نامه ای به امیرالمؤمنین(ع) نوشت و آن را به پسرش عمر داد و گفت: «این مکتوب را هرچه سریع تر به دست امیرالمؤمنین(ع) برسان و ملازم راکب او باش و هرچه گوید فرمانبردار باش. ام سلمه آنچه را بین او و عایشه گذشته بود در آن نامه نوشته و عرض کرده بود: ای امیرالمؤمنین! اگر رسول خدا(ص) ما را به لزوم بیعت فرمان نداده بود، من ملازم راکب شما می شدم، اکنون فرزند خود را فرستادم تا امر شما را اطاعت نماید (ر.ک. کحاله، ۱۴۰۴ق: ج ۵، صص ۲۲۶-۲۲۴؛ محلاتی، بی تا: ج ۲، ص ۳۰۱). آنگاه معاویه امر کرد که در منبر مساجد، علی(ع) را لعن کنند؛ ام سلمه به معاویه نوشت: تو با امرت خدا و رسولش را بر منبرهایتان لعن می کنید، من شهادت می دهم که دوستدار او، خدا و رسول هستند. لکن به گفته ام سلمه توجهی نشد (ر.ک. کحاله، ۱۴۰۴ق: ج ۵، ص ۲۲۶).

۴) حرکت‌های سیاسی زنان صحابی

«اسماء بنت عمیس» از بزرگان زنان صحابی پیامبر اکرم(ص) و همسر ابوبکر بود که پس از فوت همسرش با علی بن ابیطالب(ع) ازدواج کرد. او در حق حضرت زهرا(س) با شهادت کامل بر فدک شهادت داد و حدیث جعلی خلیفه «نحن معاشر الانبیاء لانورث، ما ترکناه صدقه» را رد کرد (ر.ک. مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۴۳، ص ۱۸۲). وی با شهادت خویش حرکت سیاسی صادقانه‌ای انجام داد؛ لکن ابوبکر شهادتش را نپذیرفت. بیان حدیث غدیر و تکرار آن، فعالیت سیاسی دیگری از اسماء است که خلافت بلا فصل علی(ع) را گواهی می‌داد، اسماء اتفاق شوم جمعی را در خانه ابوبکر پس از واقعه حجة الوداع گزارش کرده و گفته است که آنها اجماع کردند که مخالف فرمایش رسول الله(ص) حرکت کنند (همان، ج ۲۸، ص ۱۰۲). وی از شهود لحظات آخر حیات رسول خدا(ص) بود و وصیت آن حضرت را شنید (طبری، بی تا: ج ۲، ص ۹۸). «اروی بنت حارث» از اصحاب رسول الله(ص) و امام علی(ع) در حالی که پیرزنی بود بر معاویه پس از آنکه با نیرنگ بخلافت رسیده بود وارد شد و او را به جهت خلافت ناحقی که غصب کرده بود استیضاح کرد و آبروی خلیفه را در برابر درباریان بریخت تا جایی که عمروعاص طاقت نیاورد و با اهانت «اروی» را مخاطب قرار داد (ر.ک. ابن طیفور، ۱۹۸۷م: ص ۴۳). در آن مجلس مردان سیاسی چون معاویه، عمروعاص و مروان به سبب روش‌های غلط و ناحقشان مورد انتقاد و افتضاح زنی چون اروی واقع شدند.

از دیگر زنان پیرو حق و سیاست راستین «ام‌اخیر بارقیه»، «دارمیه حجونیه» و «سوده بنت عماره» است که عدالت، جوانمردی، پیروی از حق، محبت و ولای علی(ع) چنان درایمان قوی ایشان رسوخ کرده بود که در دربار معاویه بن ابی سفیان با شهادت، کلام حق را ادا کرده و به بیان خصایص و رفتار و کردار امیرالمؤمنین علی(ع) پرداختند تا جایی که معاویه و درباریان را به تعجب واداشته و باکی از کشته شدن به دست فردی چون معاویه نداشتند.

«ام‌اخیر» دختر «حریش بن سراقه بارقیه» که از تابعین رسول خدا(ص) و اصحاب علی بن ابیطالب علی(ع) در بارگاه معاویه لغزش‌ها و گمراهی‌های او را متذکر شد و گفت: علی طبق سنت‌های راستین پیامبر(ص) عمل کرد و برای کسب لذت‌ها از راه راست منحرف نمی‌شد؛ اوست دو شقه‌کننده بدن‌ها و شکننده بت‌ها؛ آنگاه که نماز گزارد مردم مشرک بودند، پیامبر(ع) را اطاعت کرد درحالی که دیگران روی گردانند. شجاعت‌ها و شهادت‌های علی(ع) در بدر، احد، خیبر و هوازن را یادآور شد تا جایی که معاویه گفت: به خدا قسم اگر ترا بکشم بر من حرجی نیست، ام‌الخیبر با

شهامت به خلیفه گفت: به خدا سوگند که بدم نمی‌آید که به دست مرد شقی‌ای چون تو کشته شوم (ر.ک. ابن‌طیفور، ۱۹۸۷م: صص ۵۸-۵۵؛ ابن‌عبدربه، ۱۴۰۴ق: ج ۱، ص ۳۵۴).

ام‌الخیر در جنگ صفین شرکت کرد درحالی‌که تازیانه‌های در دست داشت و مانند شیر نعره می‌کشید و جنگاوران را به جنگ ترغیب می‌کرد و می‌گفت: ای مردم بترسید از ساعت قیامت که امری است عظیم؛ به درستی که خداوند حق را برای شما واضح گردانیده و دلیل و برهان را آشکار کرده و راه را روشن نموده و علم را بلند گردانیده و شما را در کوری و تاریکی نگذاشته، خدا شما را رحمت کند به کجا می‌خواهید بروید؟ از امیرالمؤمنین فرار می‌کنید یا از جنگ؟ از اسلام روی گردانیده‌اید یا از حق برگشته‌اید؟ این بانوی با شهامت در مکتب امام علی (ع) آموخته بود که باید از حق دفاع کند و از چیزی نهراسد (همان).

«دارمیه حجونیه» زنی سیاه پوست، با فضیلت و فصاحت از قبیله «بنی کنانه» که سیرتی سفید داشت و از طرفداران اصحاب علی بود، در خلافت معاویه زنده بود و در شهر حجون مکه زندگی می‌کرد (همان، صص ۵۸-۵۵). وی رفتار و کردار امیرالمؤمنین علی (ع) را این چنین توصیف می‌کرد: «علی را دوست دارم به سبب عدلش نسبت به رعیت و اینکه بیت المال را مساوی قسمت می‌کرد. تو را دشمن می‌دارم، زیرا با علی قتال کردی در امری که او بر تو برتر بود و چیزی را طلب کردی که حقی در آن نداشتی. علی را دوست دارم چون رسول خدا (ص) عقد ولایت او را بست. او دوستدار مساکین بود و اهل علم را بزرگ می‌شمرد. تو را دشمن می‌دارم، زیرا خون مردم را به ناحق ریختی و به جور و ستم قضاوت کردی و از روی هوا و هوس حکم می‌کنی معاویه برای تحقیر وی مجدداً کلمات خوارکننده‌ای نثارش کرد و دارمیه نیز به او پاسخ داد (ر.ک. ابوریه، بی‌تا: ج ۱، صص ۳۵۵-۳۵۴).

«سوده» دختر «عمار بن اشتر همدانی»، زنی با صراحت لهجه، بانویی شجاع و فصیح و بلیغ که در گفتار ممتاز بود، در مجلس معاویه نیکی‌های علی بن ابی طالب (ع) را به رخ او کشید. (ر.ک. همان، ص ۳۴۴). نمونه دیگر از زنانی که در برابر سیاست حاکم، موقعیت خویش را اعلام کرد «جروه» بود، زنی مسلمان و فاضل، هنگامیکه معاویه او را به دربارش احضار کرد، وی با شجاعت تمام از ظلم معاویه شکایت کرد و در برابر سیاست‌های غلط خلیفه زبان به اعتراض گشود (ر.ک. امین، ۱۴۰۳ق: ج ۴، ص ۷۰).

«غانمه دختر غانم» از شیر زنان مسلمانی که بر جمعی از مردم سخنرانی کرد و به آنها هشدار داد که معاویه لایق امارت بر مؤمنان نیست. جاسوسان بنی‌امیه سخنان او را به معاویه گزارش دادند و اینکه او قصد دارد در مدینه نیز سخنرانی کند، معاویه برای رضایت او دستور داد تا مجلس باشکوهی

برای او ترتیب دهند و جایگاه مناسبی برای غانمه فراهم کنند. هنگام ورود غانمه به مدینه، از او استقبال گرمی کردند. او نه تنها شیفته پذیرایی آنها نشد، بلکه به معاویه سلام نکرد و در جواب سلام او گفت: «سلام بر مؤمنان و ذلت و خواری بر کافران» و شروع به بیان فضایح بنی‌امیه و فضایل بنی‌هاشم کرد، چنان با شجاعت سخن گفت که معاویه برای ساکت کردنش، قسم خورد، که دیگر به علی بن ابیطالب (ع) دشنام ندهد (ر.ک. محلاتی، بی تا: ج ۴، ص ۳۸۹).

بانوی دیگری را که می‌توان از درون گزارش‌های تاریخی معرفی کرد، «اسماء دختر ابوبکر» خلیفه اول است که در حرکت سیاسی خواهر عایشه، موافق او نبود. اسماء پس از قتل فرزندش «عبدالله بن زبیر» بدست حجاج، بدون ترس از وی با او به سختی روبرو شد و با ذکر حدیثی از رسول‌الله (ص) او را هلاک‌کننده و خراب‌کننده خطاب کرد.

۵) حرکت‌های سیاسی حضرت زینب (س) و بانوان کربلا

حضرت زینب (س) پس از مادر بزرگوار خود الگو و اسوه برای همه زن‌ها و مردها در حرکت و قیام به دنبال امام و رهبر خود بود. آنگاه که امام حسین (ع) برای مقابله با یزید و ابن زیاد، مناسک حج را ناتمام رها فرمود و رهسپار سرزمین عراق گردید؛ زینب (س) نیز اعمال حج را به پایان نرسانده به همراه امام و رهبر خویش عازم عراق شد با آنکه می‌دانست، سرنوشتی سخت و دردآور در انتظارشان است. آن علیا مخدیره همواره در طول سفر و روزهای سخت اقامت در کربلا همگام و همراه برادر بزرگوارش بود. وی از زمان طفولیت شاهد رنج و ظلم وارده بر مادرش زهرا ی اطهر و غضب حق ولایت پدرش علی بن ابی طالب (ع) و خدعه‌ها و ظلم‌های دستگاه حاکم بر برادرش امام حسن (ع) و مصیبت عظمای کربلا و بی‌حرمتی‌ها و تعرض‌ها به ساحت خاندان رسالت بود، پس از واقعه کربلا و اسیر شدن در دربار ابن زیاد و یزید که دارای بیشترین قدرت و زور دوران بودند و کسی در برابر آنها جرأت سخن گفتن نداشت، علی‌رغم مصیبت‌های شدید وارد شده بر آن حضرت که هر فرد سالم را به فراموشی و بهت وامی‌دارد، بسیار هشیارانه، عالمانه، با فصاحت و شجاعت بود که همگان را به تعجب انداخت. او در کلامش علاوه بر یادآوری حق برادر، پدر و جدش، چنان سخن گفت تا دل‌های خفته را تکانی دهد و از خواب غفلت بیدار کند تا در آینده جنبش‌های مفید سیاسی بپا خیزد. در حال اسارت بدست ظالمان، چنان آنان را مفتضح کرد که ابن زیاد و یزید قصد کشتن آن حضرت را کردند. زینب (س) همچون پدرش امیرالمؤمنین چنان با فصاحت و بلاغت سخنرانی فرمود که پس از سخنرانی آن حضرت دربار به لرزه درآمد. آن حضرت (س) در برابر ابن زیاد به حمایت از پیشوا و رهبرش، چنین فرمود: «ای پسر زیاد وای بر تو تا کی با لباس نخوت و

گمراهی به سوی ما می‌تازی اگر برادرم طلب خلافت بنماید هر آینه جای تعجب نباشد. چه آنکه میراث جد و پدر خود را خواسته، سزاوارتر به منصب خلافت است از تو...» (ر.ک. همان، ج ۳، ص ۱۴۲).

زینب(س) در بارگاه یزید چنان سخنرانی فرمود که درباریان و شامیان به سرافکندگی و پشیمانی افتادند و یزید با تمام قدرت و ترسی که در دل اطرافیان داشت، در سراسر گفتار آن حضرت، گوش بود. آن بزرگ بانوی آل رسول در ضمن سخنان خویش چنین فرمود: ای پسر اسیری که بر او منت گذاشته او را رهایش کردند. زنان و کنیزان خود را در پس پرده جای می‌دهی و ... پرده نشینان رسول خدا را بی پرده با صورت‌های بدون نقاب به شهرها و بیابان‌ها می‌گردانی... همانا نتیجه کفر و اولاد زنا جز این نکند و احقاد بدریه و احدیه مانند دیگ در سینه آنها جوش می‌زند، چون صوت سوسمار که در جایی بیچید در غلیان است برای کشته‌های بدر و احد این افعال از این جماعت اقتضای خبیث آنهاست...

یزید، قطع نکردی مگر پوست خود را، نه بریدی مگر گوشت خود را، هر آینه بزودی ملاقات کنی البته جدم رسول خدا را با آن بارهای گران از وزر و وبال از ریختن خون‌های ذریه رسول و هتک حرمت پاره‌های تن بتول هنگامی که خداوند متعال آن جماعت پراکنده را جمع‌آوری فرماید و حقوق ایشان را اخذ نماید از ظالمان و دشمنان ایشان و از همه آنها انتقام شدید بکشد و آنها را معذب نماید (ر.ک. ابن طیفور، ۱۹۸۷م: ص ۳۲).

آن حضرت در مجلس دیگر فرمود: ای یزید آیا در کشتن از خدا نترسیدی و این کار تو را کافی نشد تا جایی که بانوان حرم رسول خدا(ص) را از عراق به طرف شام کوچ دادی و درهتک حرمت ایشان چیزی فرو نگذاشتی و ما را به مجلس خود کشاندی و مانند کنیزان بر شتران بی‌جهاز سوار کردی و شهر به شهر گرداندی. پس از سخنان زینب(س)، ام کلثوم(س) خواهر آن حضرت در حمایت از امام و رهبرش و رسواکردن، حکومت ظلم، خطاب به ابن زیاد گفت: ای پسر زیاد اگر تو به قتل حسین چشمت روشن گردید هر آینه چشم رسول خدا به دیدار او خرسند می‌شد و او را می‌بوسید و در آغوش می‌کشید، پس در قیامت چگونه به رسول خدا پاسخ می‌دهی! در دروازه شام که شمر مشغول مباحثات به عمل خود بود. ام کلثوم(س) خطاب به او گفت: ای ملعون پسر ملعون! خاک بر دهانت باد. لعنت خدا بر ظالمان و بر یزید ملعون، پسر ملعون فخر می‌کنی که به قتل رساندی کسی را که جبرئیل برای او در گهواره لالایی می‌گفت. آیا افتخار تو این است که کسی را کشتی که جدش خاتم پیامبران بود و پدرش نابود کننده مشرکین...

دیگر از حرکت‌های سیاسی بانوان کربلا، اقدام «سکینه» دختر امام حسین(ع) بود، در سال‌های پس از واقعه کربلا که وی در مدینه زندگی می‌کرد، خالد بن عبدالملک حاکم مدینه در روز جمعه بالای منبر به سب امیرالمؤمنین مشغول شد، هنگامی که خبر به سکینه رسید، خود را به آنجا رساند و در مقابل خالد ایستاد و با همراهان خود او را سب کرد. خالد که جرأت توهین به آن بانو را نداشت به مردم فرمان می‌داد تا همراهان آن بانو را آزار دهند (ر.ک. محلاتی، بی‌تا: ج ۳، ص ۲۶۱).

«فاطمه» دختر امام حسین(ع) از جمله زنانی است که همراه پدر بزرگوارش در حرکت علیه ظلم و دستگاه غاصبه خلافت، شرکت داشت و پس از واقعه کربلا در کوفه خطاب به مردمی که حمایت از حق را رها کرده و طرفدار حکومت ظلم و غاصب شده بودند، چنین فرمود: ای اهل کوفه! ای اهل غدر و خدعه! خدای عزوجل ما اهل بیت را به شما مبتلا ساخت و ما را وسیله امتحان شما قرار داد. ما را به این آزمایش ستود و فهم و علم خود را نزد ما به ودیعت گذاشت. مائیم ظرف علم و گنجینه فهم و حکمت او... به ما فضیلت داد و شما ما را تکذیب و تکفیر نمودید و ریختن خون ما را حلال شمردید و غارت اموال ما را مباح دانستید... چند خون از حضرت رسول(ص) نزد شماست؟ بسا حيله‌ها که با برادر و وصی او علی بن ابیطالب (ع) کرده‌اید (ر.ک. همان، ج ۳، صص ۲۸۸-۲۸۷).

۶) حرکت‌های منفی سیاسی زنان

شرکت در مسائل سیاسی ممکن است صحیح یا غیر صحیح باشد، مشارکت سیاسی در راه حق یا غیر حق، مطلب قابل تأملی است که بینش صحیح و درک درست می‌طلبد. آنگاه که رسول‌الله(ص) در بستر بیماری بودند و دستور فرمودند که مردم نماز جماعت را بخوانند، عایشه پدرش را برای این نماز به مسجد فرستاد و مردم نماز را به امامت او به پا داشتند در حالی که پیش از آن پیامبر(ص) مکرر تأکید فرمود که برخی از مهاجرین از جمله ابوبکر به لشکر اسامه پیوندند و بدین ترتیب در زمان برپایی نماز باید کیلومترها از مدینه فاصله گرفته بودند. رسول خدا(ص) حتی یک بار با حال بیماری به مسجد رفتند و آنان را که از رفتن تخلف می‌کردند، سرزنش فرمودند (ر.ک. طبری، بی‌تا: ج ۲، ص ۴۲۹؛ ابن ابی الحدید، ۱۳۸۳ق: ج ۹، صص ۱۹۸-۱۹۷). لکن می‌بینیم که در امر جانشینی رسول خدا(ص) عایشه دخالت می‌کند و پدرش را برای این امر برمی‌گزیند.

در قضیه غصب فدک که رسول‌الله(ص) آن را به زهرا(س) هدیه کرده بود، نیز «اوس بن حدثان» گوید: عایشه و حفصه حضور یافتند و شهادت دادند که پیامبر(ص) فرمود: «ما انبیاء آنچه که باقی می‌گذاریم برای کسی ارث نیست» (ر.ک. ابن ابی الحدید، ۱۳۸۳ق: ج ۴، ص ۱۰۱). «مالک بن اوس»

هم می‌گوید: شنیدم که عایشه گفت: همسران پیامبر عثمان را نزد ابوبکر فرستادند و سهم الارثشان از رسول‌الله(ص) را طلب کردند؛ من گفتم: آیا نمی‌دانید که پیامبر فرمود: «لأنورث ما تركناه صدقه انما يأكل آل محمد من هذا المال» (ر.ک. عاملی، ۱۴۱۵ق: ج ۸، ص ۲۲۷؛ ابن ابی الحدید، ۱۳۸۳ق: ج ۱۶، ص ۲۲۳).

«سوده بنت زمعه» که همسر رسول خدا(ص) بود، هنگامی که دید که اسرای بدر را آورده‌اند و دست‌های «سهیل بن عمر» را با ریسمان به گردنش بسته‌اند، مشرکین را علیه آن حضرت و مسلمانان تحریک کرد، با این عمل وی، رسول‌الله(ص) کسی را می‌فرستند تا او را از جانب آن حضرت طلاق دهد. لکن سوده از اشتباه خود شرم‌منده شده و پوزش می‌طلبد و حتی برای باقی ماندن به همسری رسول خدا سهم خویش از هم‌نشینی آن حضرت را به عایشه بخشید تا پیامبر از طلاق او منصرف شوند (ر.ک. ابن کثیر، بی‌تا: ج ۳، ص ۳۰۷).

پس از قتل عثمان، علی‌رغم آیه صریح قرآن که زنان پیامبر باید ملازم خانه باشند و حضور سیاسی اجتماعی چشمگیر نداشته باشند؛ عایشه دختر ابوبکر که لقب ام‌المؤمنین را نیز داشت از موقعیت خود و احترامی که خلیفه اول و دوم به او می‌گذاشتند سوءاستفاده کرد و به بهانه خونخواهی عثمان، علیه خلیفه وقت علی بن ابیطالب(ع) که مردم با آن حضرت بیعت کرده بودند، برآشفت و با تحریک احساسات مردم، لشکر انبوهی فراهم ساخت و جنگی را به پا کرد که بقول طبری بیش از شش هزار مسلمان کشته شدند. از دیگر مشارکت‌های سیاسی غیر صحیح زنان، می‌توان فعالیت «قطام» را نام برد؛ دختری از خوارج که خانواده‌اش از فعالان سیاسی بر علیه حکومت علی(ع) بودند و پدر و برادرش در نهروان کشته شده بودند، او مهریه خود را قتل امام(ع) خلیفه مسلمین، حاکم و رهبر جامعه و مقداری پول قرار داد و ابن ملجم را بر ترور آن حضرت مصمم ساخت (ر.ک. مسعودی، ۱۹۸۵م: ج ۲، ص ۴۲۳). «جعده» دختر «اشعث بن قیس» همسر امام حسن(ع)، وعده معاویه برای همسری یزید را پذیرفت. او که در خانواده‌ای سیاستمدار تربیت یافته بود، آن حضرت را مسموم کرد (ر.ک. مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۴۴، ص ۱۵۴). تا راه حکومت و سیاست معاویه را هموار سازد.

۷) نتیجه

بنابراین زنان مسلمان از آغاز گرویدن به دین اسلام و رها کردن شرک و بت‌پرستی علی‌رغم دیدگاه‌های آن روز نسبت به زن و محدودیت‌های فراوان و زنده به گور کردن دختران، در مسائل سیاسی مشارکت داشته و در بسیاری از آن فعالیت‌ها حضورشان مثبت بوده است گرچه مشارکت‌های

منفی را نیز گزارش کردیم. در هر حرکت و مشارکت باید رضای خدا و حق را در نظر گرفت تا
فعالیتی مثبت انجام داد و رستگار شد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

- ◀ قرآن کریم
- ◀ — **نهج البلاغه** (۱۳۷۱)، (ترجمه سیدجعفر شهیدی)، چ سوم، تهران.
- ◀ ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبه الله (۱۳۸۳ق)، **شرح نهج البلاغه**، (تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم)، چ دوم، بیروت: داراحیاء الکتب العربیه.
- ◀ ابن اثیر، علی بن محمد جزری (بی تا)، **اسدالغابه فی معرفه الصحابه**، بی جا: احمد ابراهیم البنا.
- ◀ ابن سعد، کاتب واقدی، محمد بن سعد (بی تا)، **الطبقات الکبری**، بیروت: دار صادر.
- ◀ ابن طیفور، احمد بن ابی طاهر (۱۹۸۷م)، **بلاغات النساء بیروت**: الحدائث للطباعه.
- ◀ ابن عبدربه، احمد بن محمد، (۱۴۰۴)، **العقد الفرید**، (تحقیق مفید محمد قمیحه)، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ◀ ابن قتیبه دینوری، عبدالله بن مسلم، (۳۲۲ق)، **الامامه و السیاسه**، (تصحیح و شرح محمد محمود الراعی)، مصر: مطبعه النيل.
- ◀ ابن کثیر، اسماعیل بن کثیر، قرشی دمشقی، (بی تا)، **البدایه النهایه**، (تحقیق احمد ابولحم و دیگران)، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ◀ ابو ریه، محمود (بی تا)، **اضواء علی السنه المحمديه**، چ سوم، قم: دارالکتب العلمیه.
- ◀ امین، سیدمحسن (۱۴۰۳ق)، **اعیان الشیعہ**، (تحقیق حسن امین)، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.
- ◀ بخاری، محمد بن اسماعیل (بی تا)، **صحیح بخاری**، بی جا: دارالمعرفه.
- ◀ جعفریان، رسول (۱۳۸۳)، **تاریخ سیاسی اسلام سیره رسول خدا(ص)**، چ سوم، قم: انتشارات دلیل ما.
- ◀ طبری، محمد بن جریر (بی تا)، **تاریخ طبری**، بیروت: موسسه الاعلمی.
- ◀ عاملی، سیدجعفر مرتضی (۱۴۱۵ق)، **الصحیح من سیره النبی**، چ چهارم، بیروت: دارالهدی، دارالسیره.
- ◀ غروی نائینی، نهل، (۱۳۷۵)، **محدثات الشیعہ**، تهران: مرکز نشر دانشگاه تربیت مدرس.
- ◀ مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق)، **بحارالانوار**، چ دوم، بیروت: موسسه الوفاء.
- ◀ محلاتی، ذبیح الله (بی تا)، **ریاحین الشریعه در ترجمه بانوان دانشمند شیعہ**، ایران: دارالکتب الاسلامیه.
- ◀ مسعودی، علی بن حسین (۹۸۵م)، **مروج الذهب و معادن الجواهر**، چ دوم، مصر: مکتبه السعاده.
- ◀ مکارم شیرازی، ناصر (بی تا)، **تفسیر نمونه**، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- ◀ کحاله، عمررضا (۱۴۰۴ق)، **اعلام النساء فی عالم العرب و الاسلام**، چ پنجم، بیروت: موسسه الرساله.